

(العمل في عالم الذر) ..

عمل در عالم ذر

لا شك في وجود عالم الذر (1) بدلالة آيات الكتاب وروايات الطاهرين (عليهم السلام)

(2).

با توجه به دلالت آيات قرآن و روایات ائمه‌ی طاهرين (عليهم السلام)^۳ هیچ شک و شبهه‌ای در وجود عالم ذر وجود ندارد.^۴

وعن عالم الذر والامتحان فيه سألت العبد الصالح (عليه السلام)، فقلت: المعروف أنّ عالم الذر هو عالم الامتحان الأول لبني آدم، ولكن هل كانت تلبية العباد عند الاستشهاد "ألست بربكم" بعد عمل منهم، أم كان عالماً لبيان النتائج فقط والعمل هنا.

از عبد صالح (عليه السلام) در مورد عالم ذر و امتحان در آن پرسیدم و گفتم: معروف است که عالم

1. يمكن مراجعة ما ذكره السيد أحمد الحسن ع في كتاب المتشابهات: ج3 / سؤال رقم (63) المتعلق بعالم الذر، حيث يقول عليه (عليه السلام): (عالم الذر عالم حقيقي وليس وهمياً ولا افتراضياً، وإنما نسيه الغافلون والمتغافلون، ولم ينسه الأنبياء والمرسلون والأوصياء (عليه السلام)، بل هم يتذكرونه ويعرفونه ويعرفون أولياءهم فيه ويميزونهم في هذه الحياة الدنيا ...).

2. هذه منها على سبيل المثال: عن الحسين بن نعيم الصحاف قال: سألت الصادق (عليه السلام) عن قوله: (فمنكم كافر ومنكم مؤمن)، فقال: (عرف الله إيمانهم بولايتنا وكفرهم بتركها يوم أخذ عليهم الميثاق وهم في عالم الذر وفي صلب آدم (عليه السلام)) تفسير القمي: ج2 ص371.

وعن زرارة، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: سألته عن قول الله عز وجل: (وإذ أخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذرياتهم وأشهدهم على أنفسهم ألست بربكم قالوا بلى) الآية، قال: (أخرج من ظهر آدم، ذريته إلى يوم القيامة، فخرجوا كالذر فعرفهم وأراهم نفسه ولولا ذلك لم يعرف أحد ربه ...) الفصول المهمة للحر العاملي: ج1 ص423 ح5، 7.

۳) «: درباره‌ی سخن خدا که می‌فرماید ه عنوان مثال این روایت از آن جمله است: حسین بن نعيم صحاف می‌گوید از امام صادق -بعضی از شما کافر و بعضی مؤمن‌اند»: آن حضرت فرمود پرسیدم «(خداوند ایمان آنها را به ولایت ما و کفر آنها را به ترک ولایت ما شناخت، در آن روزی که از آنها پیمان گرفت در حالی که آنها در عالم ذر و صلب آدم ع بودند. تفسیر قمی: جلد 2 صفحه 371. »
(: درباره‌ی این سخن خدا پرسیدم راره می‌گوید از امام ابو جعفر محمد باقر ع و پروردگار تو از پشت بنی آدم فرزندانشان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری...»: حضرت فرمود (خداوند ذریه‌ی آدم تا روز قیامت را از پشت آدم بیرون آورد و آنها مانند ذرات کوچکی بودند. آن گاه خود را به آنان نمایاند و شناساند و اگر این واقعه رخ نمی‌داد، کسی پروردگارش را نمی‌شناخت فصول المهمة. » حر عاملي: جلد 1 صفحه 423 حدیث 5 و 7

۴ - می‌توانید به آنچه که سید احمد الحسن ع در کتاب متشابهات جلد 3 پرسش شماره‌ی 63 در باب عالم ذر آورده مراجعه نمایید. وی می‌فرماید: عالم ذر، یک عالم حقیقی بوده و توهمی یا فرضی نیست. افراد غافل و کسانی که خود را به غفلت زده‌اند آن را به دست فراموشی سپرده‌اند ولی پیامبران و مرسلین و اوصیاء آن را فراموش نکرده‌اند بلکه آن را به یاد دارند و می‌شناسند و دوستان خود را در آن عالم را می‌شناسند و آنها را در این زندگی دنیوی تشخیص می‌دهند ...

ذر، همان عالم امتحان نخستین برای فرزندان آدم بوده است؛ ولی آیا اجابت بندگان هنگام گواهی طلبیدن «الست بربکم» (آیا من پروردگار شما نیستم؟!) پس از انجام دادن عملی از آنها صورت گرفته است؟ یا این که عالم ذر، صرفاً عالمی برای بیان نتایج بوده و عمل در همین جا صورت می‌گیرد؟

فأجابني (عليه السلام): (تقصد بالعمل صلاة وصياماً و .. و ..، أم ذكراً فقط).

ایشان (علیه السلام) در پاسخ فرمود: «منظور شما از عمل، نماز و روزه و ... است یا مقصودت فقط ذکر است؟».

فقلت: كل ما يسهم في تقرير المصير وأخذ النتيجة التي اختارها العبد .

گفتم: هر آنچه در تعیین مسیر و کسب نتیجه‌ای که بنده آن را برگزیده است، مشارکت و دخالت دارد.

فقال (عليه السلام): (نعم، فإذن هل يشترط فيه طول المدة أو تعدده؟ هل يكفي أن يكون عملاً عبادياً واحداً هو الصلاة وهو الصيام وهو الذكر وهو الزكاة وهو الدعاء وهو الحج وهو كل العبادات؟ ألم يقل رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لعلي (عليه السلام): يا علي تفكر ساعة خير من عبادة ألف عام؟

فرمود: «آری؛ ولی آیا در آن عالم، طول مدت یا تعدد آن شرط است؟ آیا کفایت می‌کند که فقط یک عمل عبادی، معادل نماز، روزه، ذکر، زکات، دعا، حج و جمیع عبادات باشد؟ آیا رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) فرمود: **یا علی! یک لحظه اندیشیدن از عبادت هزار سال برتر است؟**

فالعمل واضح في عالم الذر بينته الآية بكل وضوح: (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ) (5)، وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ.

انجام عمل در عالم ذر، واضح است و این آیه آن را به طور کامل روشن نموده است: «و) پروردگار تو از پشت بنی آدم فرزندان‌شان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان

گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم تا در روز قیامت نگویی که ما از آن بی‌خبر بودیم»^۶ و آنان را بر خودشان گواه گرفت!

الآن في هذه الدنيا في هذا الامتحان، هل يوجد شاهد على الأعمال؟ أليس الرسول شاهد، أليس حجة الله شاهد، أليس الملائكة الكاتبون شهوداً، أليس (وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً) (7)، أليس (اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيباً) (8). فالإنسان شاهد على نفسه ونفسه ستكون حسابه، (وَأَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ) ، (اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيباً)، أما كيف ستكون نفسه حسابه فهذا أمر آخر، ولكن نحن الآن في كونه شاهداً على نفسه، يشهد على ماذا، أليس على ما شهد عليه رسول الله، وحجة الله، والملائكة، والله سبحانه (وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً)؟

الآن در این دنیا و در این امتحان، آیا شاهی بر اعمال وجود دارد؟ آیا پیامبر شاهد نیست؟ آیا حجت خدا شاهد نیست؟ آیا ملائکه، نویسندگان شاهد نیستند؟ آیا این طور نیست که «(و خدا به شهادت دادن کافی است)»^۹؟

آیا چنین نیست که: «(بخوان نامه‌ات را! امروز تو خود برای حساب کشیدن از خود کافی هستی)»^{۱۰}؟ انسان شاهد بر خودش است و خود او (نفسش) از خویش حساب‌کشی خواهد کرد. «(و آنان را بر خودشان گواه گرفت)». «(بخوان نامه‌ات را امروز تو خود برای حساب کشیدن از خود کافی هستی)». اما این که چگونه وی از خودش حساب‌رسی می‌کند، مسأله‌ی دیگری است؛ ولی اکنون ما در پی بررسی «(شاهد بر خویشتن است)» هستیم. بر چه چیزی گواهی می‌دهد؟ آیا جز این است که بر آنچه پیامبر خدا، حجت خدا، فرشتگان و خداوند سبحان شهادت داده‌اند گواهی می‌دهد؟ «(و خدا به شهادت کافی است)».

إِنَّ، فهناك عمل في هذه الآية - (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ) - أشهدهم الله عليه.

۶ - اعراف: 172.

7. النساء: 79.

8. الاسراء: 14.

۹ - نساء: 79.

۱۰ - اسراء: 14.

بنابراین در این آیه به عمل اشاره شده است: «(و پروردگار تو از پشت بنی آدم، فرزندانشان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم؛ تا در روز قیامت نگویید که ما از آن بی‌خبر بودیم)». خداوند آنها را بر خودشان گواه گرفت.

أنت في هذه الدنيا نفسك مشغولة بتدبير بدنك، لهذا كانت هذه العبادات لثمنع النفس عن الانشغال بالبدن ولتوجه إلى الانشغال بالله، انظر في عبادات الإسلام بحسب ظاهرها ستجدها في هذا، لا تأكل لا تشرب، اترك الشهوات، هذه عبادة الصيام وهي واضحة أنها منع للنفس عن الانشغال بالبدن، وغيرها أيضاً الحج انظر فيه، الصلاة كذلك، كلها في أمرين: قطع صلة بهذا العالم وتوجيه إلى العالم الآخر، وذكر الله والانشغال بالله.

نفس تو در این دنیا مشغول رسیدگی به بدن خویش است لذا این عبادات برای آن است که نفس را از مشغول شدن به بدن بازداشته و توجه او را به خدا مشغول نماید. اگر به عبادات اسلام بنگری بر حسب ظاهر چنین مطلبی را خواهی یافت: نخور، ننوش، شهوات را ترک کن! این، عبادت روزه است و به روشنی گویای آن است که این عبادت در پی بازداشتن نفس از مشغول شدن به بدن می‌باشد؛ دیگر عبادات نیز همین گونه است. به حج نگاه کن و به نماز! محتوای همه‌ی آنها دو چیز است: قطع ارتباط با این عالم و روی آوردن به عالم دیگر؛ به ذکر خدا پرداختن و به او مشغول شدن.

الآن، إذا خرجنا من هذا العالم هل يمكن أن تبقى العبادات نفسها؟ أكيد أن من غير الصحيح أن نفرض صور عبادات في هذا العالم على عالم آخر لسببين؛ الأول: عدم الحاجة، والثاني: أن العالم الآخر غير مؤهل لنصبها فيه أو لنؤديها فيه، أي نكون كمن يقول أنا ذاهب إلى الصحراء لأمارس السباحة.

حال اگر از این عالم خارج شویم، آیا ممکن است عبادت‌ها به همین شکل، باقی بماند؟ به طور قطع، این که تصور کنیم، شکل و صورت عبادت‌ها در دنیای دیگر مانند همین دنیا است، به دو دلیل صحیح نمی‌باشد: اول: عدم نیاز، و دوم: این که عالم دیگر، شرایط لازم برای برپا داشتن و یا به جای آوردن عملی را دارا نمی‌باشد! درست مانند کسی می‌باشیم که می‌گوید به بیابان می‌روم تا شنا تمرین کنم!

وفي عالم الذر مثلاً عدم الحاجة؛ لأن الجسد المادي الذي تنشغل به النفس غير موجود. أما عدم أهلية عالم الذر لعبادات هذا العالم الجسماني فهو أمر بين.

مثلاً در عالم ذر، احتیاج و نیاز وجود ندارد زیرا جسد مادی که نفس به آن مشغول می‌شود، وجود ندارد؛ بنابراین مشخص شد که عالم ذر شایستگی عبادات این عالم جسمانی را ندارد.

إذن، فالآن أصبح الجواب واضحاً وهو أن الامتحان نفسه، وهو واحد في هذا العالم والذر وعالم الرجعة، ولو قدر الله أن يمتحن الناس ألف مرة سيمتحنهم نفس الامتحان؛ لأن علة الخلق واحدة وهي المعرفة (11)، نعم تفاصيل الامتحان تختلف لعدة اختلاف العوالم، فالصلاة والصيام والحج والزكاة و.. و.. وجميعها كانت في الذر وامتحننا الله بها ولكن بحسب ذلك العالم، فالصلاة كانت شيئاً واحداً وهي أن أركز نظري على ما يصدر عنه سبحانه، والصيام كان ألغي نفسي، والحج كان أن أسير إليه وأطوف ببابه سبحانه منتظراً أمره، والزكاة أن أعطيه نفسي أن أنحر نفسي بين يديه بمحاربة الأنا..... وهكذا.

بنابراین اکنون پاسخ روشن شد؛ به این صورت که قضیه، همان وجود «یک امتحان» است که در این عالم و عالم ذر و عالم رجعت یکسان می‌باشد و اگر خداوند چنین مقدر نماید که مردم را هزار بار مورد امتحان قرار دهد، آنها را به همین امتحان خواهد آزمود؛

زیرا علت آفرینش یکی است، که همان شناخت و معرفت می‌باشد^{۱۲}. آری! جزئیات امتحان به علت وجود اختلاف در عوالم، متفاوت خواهد بود؛ نماز، روزه، حج، زکات و ... همگی در عالم ذر وجود داشته و خدا ما را به آنها امتحان نموده است ولی در چهارچوب همان عالم. نماز یک چیز بوده به این معنی که نگاهم را به آنچه از جانب خدای سبحان صادر می‌شود، بدوزم؛ روزه یعنی خود را نگاه دارم؛ حج یعنی به سوی خدا سیر کنم و طواف کنان گرد درب خدا، منتظر امر او باشم. زکات این بود که خودم را به او ببخشم و خویشتن را در پیشگاه الهی برای مبارزه با منیت، قربانی کنم و سایر موارد.

كل هذا العمل هل تتصور يحتاج لمدة طويلة مع العلم أن عالم الذر ليس فيه زمن ولا حتى مكان، أم تتصور أنه يحتاج ليكون في أكثر من حدث؟ وهل لو أنه جمع في حدث واحد لا يكون عملاً مثلاً؟! أكيد أنه سيكون عملاً ولو جمع في حدث واحد).

آیا با توجه به این که در عالم ذر، نه زمان وجود دارد و نه حتی مکان، گمان می‌کنی این کارها به زمان درازی نیاز داشته است؟ آیا می‌پنداری این کارها به بیش از یک رویداد و اتفاق نیاز داشته باشد؟ و آیا اگر به عنوان مثال همه‌ی اینها در «یک رویداد» جمع شود، دیگر عمل به حساب

11. قال تعالى: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) الذاریات: 56، أي ليعرفون، كما هو واضح عن آل محمد (عليهم السلام).

۱۲) «: خداوند متعال می‌فرماید -جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام همان (تا بشناسند) «یعنی «لیعرفون». (ذاریات: 56)» نقل شده است (علیهم السلام) طور که این مطلب به وضوح از آل محمد

نمی آید؟! قطعاً عمل خواهد بود، حتی اگر در یک رویداد جمع شود!».

فقلت: أسأل فقط عن الأمر الأخير ، أي " لو جمع في حدث واحد " ، ما هو ذلك العمل الواحد .

گفتم: فقط از مطلب آخر سؤال می کنم یعنی از «حتی اگر در یک رویداد جمع شود». این عمل یگانه چیست؟

فقال (عليه السلام): (يعني " أنا أو هو " ، أنظر لنفسي وأغفل عنه، أم أغفل عن نفسي وأنظر إلى ما يصدر عنه ؟ إن كنت الأول فلن أجيب وأقول "بلى" عندما يسأل "ألست بربكم" ، وإن كنت الثاني فسأكون أول من يجيب، وبين الأول والثاني ترتب الخلق، وقد بينت لك كيف أن الصلاة والصيام والحج والزكاة تكون في " أنا أو هو " فقط).

فرمود: «یعنی «من یا او» ؛ آیا به خودم بنگرم و از او غافل شوم، یا از خودم غافل شوم و به آنچه از او صادر می شود نظاره کنم؟ اگر جزو دسته ی اول باشم، جواب نخواهم داد، و هنگامی که سؤال می شود «آیا پروردگارتان نیستم؟» نمی گویم «آری»؛ و اگر از گروه دوم باشم، اولین کسی خواهم بود که پاسخ می دهد. خلق، بین دسته ی اول و دوم، رتبه بندی شده اند. پیشتر برای شما بیان کردم که چگونه نماز، روزه، حج و زکات فقط در عبارت «من یا او» جای می گیرد».

* * *

. يمكن مراجعة ما ذكره السيد أحمد الحسن ع في كتاب المتشابهات: ج 3 / سؤال رقم (63) المتعلق بعالم الذر، حيث يقول (عليه السلام): (عالم الذر عالم حقيقي وليس وهمياً ولا افتراضياً، وإنما نسيه الغافلون والمتغافلون، ولم ينسه الأنبياء والمرسلون والأوصياء (عليه السلام)، بل هم يتذكرونه ويعرفونه ويعرفون أولياءهم فيه ويميزونهم في هذه الحياة الدنيا ...).

- می توانید به آنچه که سید احمد الحسن ع در کتاب متشابهات جلد 3 پرسش شماره ی 63 در باب عالم ذر آورده مراجعه نمایید. وی می فرماید: عالم ذر، یک عالم حقیقی بوده و توهمی یا فرضی نیست. افراد غافل و کسانی که خود را به غفلت زده اند آن را به دست فراموشی سپرده اند ولی پیامبران و مرسلین و اوصیاء آن

را فراموش نکرده‌اند بلکه آن را به یاد دارند و می‌شناسند و دوستان خود را در آن عالم را می‌شناسند و آنها را در این زندگی دنیوی تشخیص می‌دهند ...

. هذه منها على سبيل المثال: عن الحسين بن نعيم الصحاف قال: سألت الصادق (عليه السلام) عن قوله: (فمنكم كافر ومنكم مؤمن)، فقال: (عرف الله ايمانهم بولايتنا وكفرهم بتركها يوم أخذ عليهم الميثاق وهم في عالم الذر وفي صلب آدم (عليه السلام) تفسير القمي: ج 2 ص 371 .

وعن زرارة، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: سألته عن قول الله عز وجل: (وإذ أخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذرياتهم وأشهدهم على أنفسهم ألست بربكم قالوا بلى) الآية، قال: (أخرج من ظهر آدم، ذريته إلى يوم القيامة، فخرجوا كالذر فعرفهم وأراهم نفسه ولولا ذلك لم يعرف أحد ربه ...) الفصول المهمة للحر العاملي: ج 1 ص 423 ح 5، 7.

- به عنوان مثال این روایت از آن جمله است: حسین بن نعیلم صحاف می‌گوید از امام صادق ع درباره‌ی سخن خدا که می‌فرماید: «(بعضی از شما کافر و بعضی مؤمن‌اند)» پرسیدم. آن حضرت فرمود: «خداوند ایمان آنها را به ولایت ما و کفر آنها را به ترک ولایت ما شناخت، در آن روزی که از آنها پیمان گرفت در حالی که آنها در عالم ذر و صلب آدم بودند». تفسیر قمی: جلد 2 صفحه 371.

راه می‌گوید از امام ابو جعفر محمد باقر ع درباره‌ی این سخن خدا پرسیدم: (و پروردگار تو از پشت بنی آدم فرزندانشان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری..). حضرت فرمود: «خداوند ذریه‌ی آدم تا روز قیامت را از پشت آدم بیرون آورد و آنها مانند ذرات کوچکی بودند. آن گاه خود را به آنان نمایاند و شناساند و اگر این واقعه رخ نمی‌داد، کسی پروردگارش را نمی‌شناخت». فصول المهمة حر عاملی: جلد 1 صفحه 423 حدیث 5 و 7.

. قال تعالى: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) الذاریات: 56، أي ليعرفون، كما هو واضح عن آل محمد (عليهم السلام).

- خداوند متعال می‌فرماید: «(جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام)» (ذاریات: 56). یعنی «لیعرفون» (تا بشناسند) همان طور که این مطلب به وضوح از آل محمد (علیهم السلام) نقل شده است.